

## سلام کودکانه

### زحمت‌های ما مان

امروز به کارهای مامان فکر کردم. مامان روزه می‌گیرد. خانه را تمیز و مرتب می‌کند. سحری و افطاری هم درست می‌کند. گاهی برای ما ناهار هم آماده می‌کند. از روزی هم که معلم‌هایمان آنلاین درس می‌دهند، کنار ما می‌نشینند و مثل ما در کلاس شرکت می‌کند تا درس را خوب یاد بگیرد و بتواند هر جا مشکلی داشتیم، کمکمان کند و... نشستم و یک نامه تشکر آمیز برای مامان نوشتم. یک نقاشی کشیدم و کنارش نوشتم: «به خاطر همه کارهایت سپاسگزارم». وقتی مامان نامه ام را خواند، خیلی خوشحال شد.

#### ارسال نقاشی، قصه،

#### خاطره، عکس و...

۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

۲۰۰۰۹۹۹



## معرفی کتاب

### کیسه خنده



کتاب «کیسه خنده» درباره مردم شاد یک شهر است که خنده از لب‌هایشان دور نمی‌شود تا این که دیوی وارد شهر می‌شود و به مردم می‌گوید خنده‌هایشان را داخل کیسه‌ای بگذارند و دیگر نخندند. هر کس این کار را نکند دیو او را با خود می‌برد. همه مردم خنده‌هایشان را در کیسه می‌گذارند، اما حسن پسر کوچولوی شجاع پاهایش را به زمین می‌کوبد و می‌گوید، که خنده‌اش را دوست دارد و به هیچ وجه آن را به دیو نمی‌دهد. دیو حسن را با خود می‌برد و... نویسنده این کتاب عارفه روئین و تصویرگر آن مژگان محمدعلی‌ها است. این کتاب در سال ۹۸ توسط انتشارات نظری به چاپ رسیده است.

#### برشی از کتاب

فصل بهار بود و همه جا سرسبز. گاوها و گوسفندان در علفزارها می‌چریدند، گوساله‌ها و بره‌ها دنبال هم می‌کردند و صدای خنده ماهی‌های قرمز توی رودخانه هم به گوش می‌رسید که در آب زلال رودخانه دنبال هم می‌کردند و بالا و پایین می‌پریدند. بچه‌های شهر با همدیگر قایم باشک بازی می‌کردند و دنبال هم می‌دویدند. حسن کوچولو آن چنان بلند بلند و از ته دل می‌خندید که همه بچه‌ها به خنده حسن می‌خندیدند...

تصویر سازی ها : زهره اقلایی

## شعر

### دندان‌های مادر بزرگ

مادر بزرگ خوبم  
همیشه مهربونه  
شب‌ها میاد کنارم  
برام قصه می‌خونه

موقع خنده لب‌هاش  
مثل یه گل و همیشه  
یه دهن بی‌دندون  
یک دفعه پیدا میشه

خدا چرا مادر جون  
یه دندونم نداره؟!  
کاش مثل نی‌نی‌ما  
دندونِ نو درآره

شاعر: مریم زارعی



## شهر قصه

### ماه قهر نمی‌کند

موش کوچولو داشت از پنجره اتاقش به ماه نگاه می‌کرد. او ماه را خیلی دوست داشت، چون شبیه یک توپ بزرگ و نقره‌ای بود. موش کوچولو آرزو داشت که دستش به ماه برسد و آن را بگیرد. موش کوچولو به ماه نگاه کرد و گفت: «دوست داری بیای تو خونه من؟ من خیلی دوست دارم تو مال من بشی». اما ماه هیچ جوابی نداد. موش کوچولو هر شب با ماه از این حرف‌ها می‌زد. بعد از چند شب ابری که ماه پیدا نبود، وقتی موش ماه را دید، خیلی ترسید چون دید ماه نصف شده است. موش کوچولو با خودش فکر کرد یعنی چی شده؟ نکنه چون من می‌خواستم آن را به اتاقم بیاورم، ماه قهر کرده و دارد می‌رود؟ چند شب بعد او دید که ماه باز دارد باریک و باریک‌تر می‌شود. او خیلی غصه می‌خورد چون فکر می‌کرد ماه از دست او ناراحت است و دارد می‌رود، برای همین زد زیر گریه.



آقای لاک‌پشت که نزدیک خانه موش کوچولو زندگی می‌کرد از صدای گریه او بیدار شد و آمد و جریان را پرسید. موش کوچولو ماجرا را برای لاک‌پشت تعریف کرد. لاک‌پشت لبخند زد و گفت: «نگران نباش موش کوچولو، ماه قهر نکرده. این اتفاقیه که همیشه برای ماه می‌افته چون به خاطر چرخش زمین، قسمتی از ماه که سایه روی اون می‌افته دیده نمیشه و باعث می‌شه که ما ماه رو کوچیک ببینیم».

بعد به موش کوچولو گفت که برود و با خیال راحت بخوابد. از آن شب به بعد موش کوچولو وقتی به ماه نگاه می‌کرد می‌دید که ماه دوباره کم‌کم دارد به شکل گرد و خوشگل قبلی برمی‌گردد.

راستی بچه‌ها این شب‌ها ماه را دیده‌اید؟ ماه در حال باریک شدن است یا بزرگ شدن؟

نویسنده: مرجان اسماعیلی

## هنرمند کوچولو

### جامدادی پروانه‌ای

#### چی لازم داریم؟

کاغذ رنگی، رول  
دستمال کاغذی  
قیچی، ماژیک  
خط‌کش  
چسب و رنگ



#### چطوری درست کنیم؟

رول کاغذی را با قلم‌مو و رنگی که دوست دارید، رنگ آمیزی کنید. مقوا یا کاغذ رنگی را از وسط تا بزنید و شکل بال‌های پروانه را روی آن کشیده و با قیچی ببرید. سپس با چسب آن را پشت رول کاغذی بچسبانید. می‌توانید برای پروانه چشم و دهان بگذارید و بال‌ها را تزئین کنید. حالا باید آن را روی یک مقوا بگذارید و بچسبانید تا وقتی مداد داخلش می‌گذارید، نیفتد. جامدادی شما آماده است.

منصوره گلی



## سرگرمی

### بازی ریاضی

دوستان خوبم اول نمونه را نگاه کنید، با رسم سه خط که از ماشین شروع شده، تمام علامت‌های احتیاط به هم وصل شده‌اند. حالا نوبت شماست. از میمون شروع کنید و با رسم سه خط تمام موزها را به هم وصل کنید. توجه کنید که هر خط باید به خط بعدی متصل باشد و مانند نمونه داده شده خط‌ها از روی دایره‌ها رد شوند.

